

بزرگ‌دیده

به مناسبت بیست و سومین سال در گذشت دکتر پرویز ناتل خانلری
مظاهر مصفا: «خانلری»، استاد بی بدیل روزگار ما بود



کاکروه فرهنگ و هنر، میترا فر دوسی و مسعود لقمان - «پرویز ناتل خانلری» - ادیب، زبان شناس، منتقد، شاعر و نویسنده معاصر - به سال ۱۲۹۲ خورشیدی در تهران زاده شد و در یکم شهریورماه ۱۳۶۹ زندگی را بدرود گفت. وزارت خارجه و مادر او «سلیمه کاردار مازندرانی» بود. خانلری، نزد پدر و معالم نرسرخانه، دانش‌های نخستین را آموخت و سپس در دبیرستان‌های سن لویی و دارالفنون، آن‌ها را بی گرفت در سال ۱۳۲۲ از دانشنامه دکترا خود به راهنمایی «بدیع‌الزمان فروزانفر» و با حضور استادان برجسته‌ای چون «ملک‌الشعرا یبار» و «احمد بهمنیار» با درجه بسیار خوب دفاع کرد. ایشان در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ در دانشکده ادبیات سوربن در انستیتو فونتنیک (اوشانسی) به مطالعات زبان‌شناسی پرداخت. خانلری از سال ۱۳۳۲ دست به انتشار مجله «سخن» زد و سپس از دو دوره انتشار به علت سفر اروپا این مجله را تعطیل کرد و آنگاه در بازگشت از اروپا سخن را که جدی‌ترین مجله روشنفکری ایران تا امروز به شمار می‌آید تا سال ۱۳۵۷ منتشر کرد. یکی از خدمات مهم خانلری به فرهنگ ایران،

درای فضایی علمی بودند، شاعر پرآوازهای نیز بودند؛ خانلری هم بسیار، صاحب‌ذوق بود و سلیقه ادبی خوبی داشت و هم بسیار، دانشجوی پرور بود. اگر در کسی ذوقی می‌دید، او را تشویق می‌کرد. تشویق‌های خانلری، موجب شکفته شدن ذوق ادبی و شاعری بسیاری از دانشجویان او شد. ایشان سر کلاس‌ها به دانشجویان میدان می‌داد.

خانلری چه ویژگی‌هایی داشت که چنین یاد و نام او بر تارک فرهنگ ایران می‌درخشید؟

ایشان، استاد مسلم زبان و ادب فارسی بود که بعد از وی به آن معنا، استادی مسلط بر متون فارسی نیست، وی بسیار خوش‌چهره، خوش‌سخن و خوش لباس بود. همین آراستگی ظاهر، مزید بر آراستگی زبان و شعر ایشان، شاگردانشان را تشویق می‌کرد که با علاقه، پای درش بنشینند.

کدام شعر خانلری را بیشتر می‌پسندید؟

خانلری، اشعار زیادی از خویش به جای نگذاشته، اما همان‌ها نیز از بهترین‌های اشعار فارسی است. منظومه «عقاب» ایشان، از نمونه‌های منحصر به فرد شعر فارسی است و من نیز این شعر را هم از نظر عناصر ادبی و هم ذوق فراوانی که در آن نهفته است، بسیار دوست دارم و می‌پسندم.

ویژگی شعر عقاب چیست که اینهمه بدان مهر می‌ورزید؟

عقاب، بیت به بیت پرواز است. این شعر متعالی است، در کل مضامین شعری او، عنصر تازگی و خلاقیت موج می‌زند. خانلری، صاحب‌سبک و شاعری نوگر است و البته نقش استادانی مانند استاد فروزانفر و استاد جلال‌الدین همایی در کسب جایگاهی که خانلری در عرصه ادب ایران به خود اختصاص داده، بی‌شک نقش پررنگ و اثرگذار بوده است. متأسفانه باید اشاره کنم که دانشگاه‌های ما دیگر استعداد پرورده‌کننده خانلری را ندارند؛ حتی استعداد پرورده‌کنندگان او را هم ندارند. شاید علت آنهم این باشد که معیشت گریبان مردم را گرفته است و آنکس که درگیر معیشت‌شد، دیگر نمی‌تواند دنبال معنویت برود و امروزه کسی دیگر به این قسم ذوقیات و تحقیق و تفحص در متون ادبی نمی‌رسد؛ چراکه معیشت بنیان زندگی مردم شده است.

اما خوشبختانه هنوز هم استادانی هستند که چراغ فرهنگ و ادب ایران را زنده نگه داشته‌اند.

مانند به استنادها اکتفا کنیم حساب نوابغ از دیگران جداسد. در تاریخ اگر بنگرید، خواهید دید مانند فردوسی که همه عمرشان را بر سر اثرشان گذاشته‌اند و با تنگدستی مالی دست و پنجه نرم کرده‌اند، اما نبوده‌اند، اما حساب این بزرگان جداسد.

مسئله این است که امروزه، امکان رشد استعدادها و ذوق شاعری و تحقیق‌های معتبر ادبی، کم‌رنگ شده است. درست است که نیازی نیست، همه مردم ذوق ادبی داشته باشند، اما باید بدانیم که حیات فرهنگی یک ملت، منوط به داشتن بستری مناسب برای پرورده نوابغ فرهنگی و ادبی است. یک ملت اگر امثال بزرگانی چون خانلری نداشته باشد، پایدار نمی‌ماند.

پیش از آنکه خانلری را به شاعری بشناسند به این‌گونه وی منتقد ادبی بوده‌است، می‌شناسند. درباره این وجه ایشان بر ایمان بگویید.

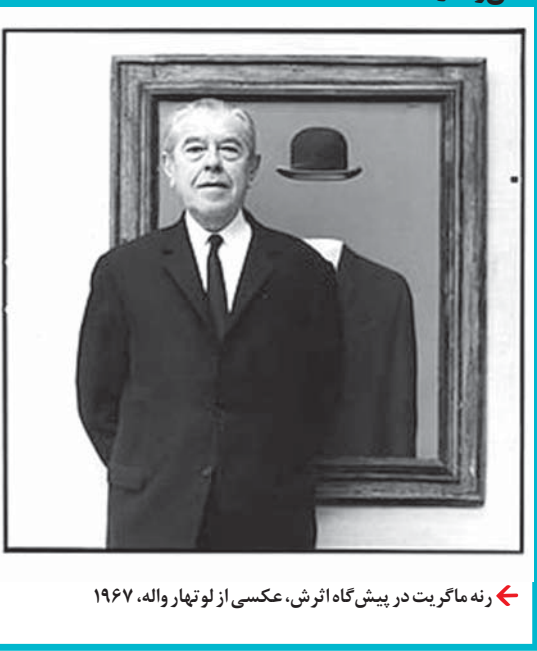
بله! خانلری یک منتقد ادبی بسیار چیرهدست بود. خانلری، جز نخستین کسانی بود که نقد ادبی را به صورت حرفه‌ای در ایران شروع کرد. خانلری به تمام معنا نقاد بود.

درباره مجله سخن و خدمتی که استاد خانلری از این راه به فرهنگ ایران کرد، بفرمایید.

چه چیزی شمارا آتندر متاثر کرد که چنین سوگنامه ماندگاری سرودید؟

روزگاری بود که همه می‌دانستند، اگر دخدا رفت، معنی هست و اگر معین رفت، خانلری هست، اما هنگام مرگ این بزرگوار، احساس کردم دیگر کسی در قد و قواره دکتر خانلری نخواهد بود که بر مستند بنشیند.

اورفت و ما هم می‌رویم. هر چه از خانلری به یاد من مانده است همه خوبی، نیکی و تشویق‌های راهگشاست. «زندگی نامه دکتر خانلری» با بهره از داده‌های کتاب نقدی غش؛ مجموعه گفت‌وگوهای دکتر صدرالدین الهی یاد دکتر پرویز ناتل خانلری؛ انتشارات تاک؛ بر ۲۷ و ۲۸ نوشته شده است.



رنگه ماگريت در پیش گاه اثرش، عکسی از لوتهار واله، ۱۹۶۷

خنیای ایرانی

«وحید تاج» در اردبیل می‌خواند

گروه فرهنگ و هنر - «وحید تاج» - به همراه گروه «سپید و سیاه»، امروز و فردا در اردبیل کنسرت خواهند داد. به گزارش «قانون»، وحید تاج، خواننده موسیقی ایرانی، می‌گوید: «در این کنسرت به همراه گروه سپید و سیاه قرار است با یک رپ تور جدید به صحنه رویم». در این کنسرت که در تالار فدک اردبیل و به همت مؤسسه افق برگزار می‌شود، بخشی از برنامه باده‌نوازی و باده‌خوانی خواهد بود. همچنین قطعاتی در دستگاه شور، دشتی، همایون و اصفهان اجرا می‌شود. در این کنسرت سوزنا صفاقی (سناتور)، مریم رضایی نژادبان (تار)، کورش دانایی (تنبک)، مریم خدابخش (عود)، فرشاد صرامی (کمانچه)، مهشید خیرالدین (سازهای ضربی) و پیمان میرآقاسی (نوازنده چیچک آلتو) از اعضا و نوازندگان گروه هستند.

بهنویسی

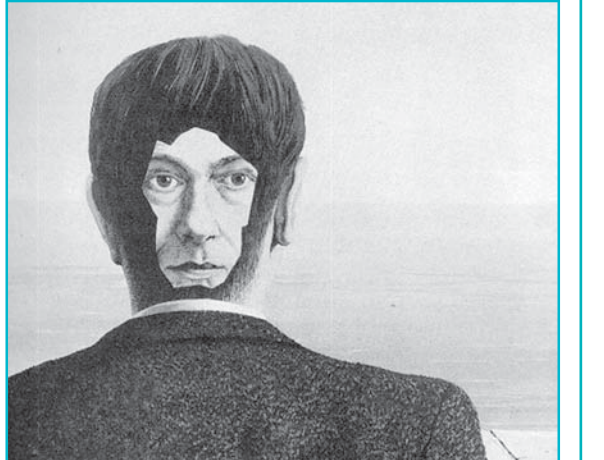
استاندارد و شاخص ما برای زندگی



مجید زهری

هر شخصی با استانداردهایی که برای خودش تعیین کرده تعریف می‌شود؛ استانداردهای رفتاری، ظاهری، معاشرتی و غیره. همه این استانداردها در درون انسان فعال هستند. کسی که اعتقاد را سخاوتمندانه دارد، سر و کارش با قرارهایش برود، طبیعتاً همین کار را هم می‌کند. برای اینکه «سر-وقت بودن» برای او تبدیل به یک خلصت و خود ضمیر او ناپه‌ناید شده است. کسی که بددهان نیست، به پیروی از اصول تربیتی خود نمی‌تواند فحاشی کند. آدم بددهان در مقابل، هر چقدر به خودش فشار بیورد نمی‌تواند ادای آدم مؤدب را در بیورد؛ انسان‌هایی که به سلامت بدنی خود اهمیت می‌دهد، ورزش را مثل خوردن صبحانه در برنامه روزانه‌اش گنجانده است. در مقابل، آدم چاقی یا پدفرم، به سلامت جسمی خود بی‌اعتناست. کسی که آداکلن به خودش می‌زند و مسر و وضع و ظاهر را آراسته، آداکلن دارد یا کسی که برعکس از سر و رویش گند می‌ریزد و ژولیده و بدپوش است، هر دو بر اساس شاخص‌های درونی خود عمل می‌کنند. ظاهر هر کس بسته به این است که چطور ساعت استانداردش کوک شده باشد.

هر فردی از چیزی «حساس مهم‌بودن» به دست می‌آورد. آدمی نیکوکار، از خیرات مالش احساس خود را آبروی می‌کند و یک چاقوکش، از بهر خ کشیدن خاطرات شکم‌درانی‌اش. هر کاری که می‌کنیم، برای ارضای درون خود است و شاخصه‌ای رضایت همان استاندارد دماست.



می‌گویند کسی که با ۹ نفر آدم بی‌مسئولیت و بی‌برنامه همراه شود، خودش زحمت‌ها به دهمی تبدیل خواهد شد! آدمی نیز که با افراد سالم معاشرت می‌کند، راه زندگی‌اش را سلامت طی خواهد کرد. وقتی با افراد موقف در کسب یا آدم‌های مثبت و آینه‌بینان رابطه داشته باشیم، موتور موفقیت درونی ما نیز خود به خود به حرکت خواهد افتاد. در مقابل، آدم‌های منفی و کسل و ناموفق و ناآرام اطراف ما، سدی جدی خواهند بود در پیشرفت ما به جلو. محیط انسان در این حد تأثیرگذار است. اطرافیان انسان آینه تمام‌نمای جنس و خلصت معاشرتی و خواسته‌های اجتماعی و در مجموع استانداردی هستند که او برای خودش گذارده یا جمع‌تأثیر دیگران برایش گذارده‌اند. اطرافیان ما، سند گویای تصویر درون و هویت ناپیدای ما هستند. شرایطی که در آن زندگی می‌کنیم، محصول مستقیم ساختمان فکری ماست. ما افکارمان را زندگی می‌کنیم، بدون اینکه اغلب خود متوجه‌اش باشیم. چنین است راه‌شناسی استاندارد یک فرد.

آدم‌های از درون پر و غنی، هیچ‌وقت ذهنشان درگیر نیست. آدم‌های که تمام مدت از دیگران حرف می‌زنند و عمده درگیری ذهنی‌شان «فراق» است، به حقرات ذهنی در چنانچه که احساسی خودورنگار است! این خلصت‌های «انتخابی» برمی‌گردد به اینکه خود فرد تا چه حد توانسته درون خودش را با موضوعات مهم‌تر از مسائل شخصی دیگران سیراب کند؛ برمی‌گردد به این که تا چه حد توانسته رشد کند و از مشکلاتش بزرگ‌تر شود... و برمی‌گردد به اینکه تا چه حد روی رفتار و افکار خودش کار کرده است و رشدشان داده است. انسان برای رفتار خود استانداردهایی دارد.

برای زندگی‌ای موقف، باید استانداردها را هر روز ارتقا بدهیم و عقربه‌های ذهنمان را نیز با آن استاندارد تنظیم کنیم و باور به آن را درون خود بپروریم و نهادینه سازیم.

منتخب‌نویسی

پشت پرده اسناد تازه افشاشده سی‌آی‌آی

آمریکا و از سرگیری داستان کودتای ۲۸ مرداد برای ما ایرانیان



دکتر پیروز مجتهدزاده*

سی‌آی‌آی در تدوین عملیات آژاکس (Operation Ajax) تهیه کرده و در دو نوبت منتشر کرد. عنوان رسمی فارسی دومین انتشار این طرح «تغییر رژیم: سرنگون کردن نخست‌وزیر ایران، مصدق، گزارش کودتای ۱۹۵۳ ایران (نوامبر ۱۹۵۲ - اوت ۱۹۵۳)» نام دارد که من هم در مقالات پیشین به تفصیل استفاده کرده‌ام.

Wilber, Donald, Regime Change in Iran, Overthrow of Premier Mossadeq of Iran, Special Report on the Iranian Coup of 1953, New York Times, 16 Apr. 2000

همچنین تأیید شده است که اسناد جدید شامل مطالبی است از کرمیت روزولت (Kermit Roosevelt) مأمور اجرای عملیات آژاکس در تهران که در کتاب خاطرات او زیر عنوان «ضد کودتا: تلاش برای کنترل ایران» (Countercoup: the struggle for control of Iran, McGraw-Hill; First Edition, August 1979) منتشر شد. اولین نکته‌ای که در این رابطه شایان توجه است اینکه با تبلیغ عنوان «دخالت» در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مورد تأیید سی‌آی‌آی قرار گرفته است» سعی شده است در جنگ روانی - سیاسی جدید به ایرانیان وانمود شود که این موضوع تا حالا مورد انکار بوده است و حالا سی‌آی‌آی دلش برای تاریخ ایران سوخته و می‌خواهد حقایق را برملا کند. با توجه به این حقیقت که دخالت سی‌آی‌آی در رویدادهای مرداد ۱۳۳۲ از همان روز اول مورد تأیید همه ناظران بوده است،

این اقدام جدید نمی‌تواند جز شگردهی باشد برای تداوم سناریوسازی‌های دبرین که ایران و ایرانی را به شرایط امروز دچار کرده است. همه ناظران برای همیشه تأیید کرده‌اند که سی‌آی‌آی با دخالت بسیار محدود، ولی بی‌جا و دبرهنگامش، در رویدادهای ۲۸ مرداد ۲۲ تیرای سرنگون کردن دولتی که سه روز قبل عزل شده و به گونه غیر قانونی ادامه حیات می‌داد، در حقیقت خواسته است، آن اقدامات قانونی علیه کودتای ۲۸ مرداد را به نام خود، بنام کند و از حرمت قانونی یک ضد کودتای مشروع بپندارد.

دخالت دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکایی و انگلیسی در ماجرای مرداد ۱۳۳۲ از سال انتشار گزارش اول ویلبر به صورت کتاب در ماه مارس ۱۹۵۴ توسط سی‌آی‌آی و از سال ۱۹۷۹ با انتشار خاطرات کرمیت روزولت بر ملا شده و در دسترس بوده است و من در مقاله بارها منتشرشده‌ام، تحت عنوان «در ۶ دهه گذشته بر ما چه گذشته است: آیا ۲۸ مرداد کودتا بود یا ضد کودتا؟» قسمت‌های مهم این اسناد را مورد بررسی قرار داده‌ام و برای تجدید خاطره خوانندگان ارجمند آن بخش از مقاله یادشده که در بررسی این اسناد مربوط می‌شود را در اینجا تکرار می‌کنم. با این همه، پیش از پرداختن به محتوای مربوطه در مقاله یادشده ضروری است اشاره شود که در جست‌وجوی چرایی این شگرد جدید آمریکایی‌ها، دوستی گفت‌وگو شاید هدف این بوده است که آمریکا

ادامه در قانون آنلاین: Ghanoonline.ir
• استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک در دانشگاه‌های تهران و استاد مدعو دانشگاه جورج واشینگتن در ژئوپولیتیک، خاورمیانه و خلیج فارس



پیشخوان

تهوع*



ترجمه محمد مهدی مرادی

«تهوع» ژان پل سارتر، همان چیز نادر در تاریخ ادبیات است - روایتی «فلسفی» که در هر دو هدفش کارمات است. این رمان، مانیفستی برای فلسفه هستی‌گرایی (Existentialism) و هم‌زمان، یک اثر هنری باورپذیر است. در واقع، عیار موفقیت آن به گونه‌ای است که در بطن روایت، مرز بین ادبیات و فلسفه، چندان روشن نیست. تهوع، به تفصیل تجربیات آنتونی روکنین ۳۰ ساله می‌پردازد؛ پژوهشگری که پس از سفرهای چندین ساله، در بندرگاه فرانسوی بویل (که بدلی است از بندر لوهافر) سکنی گزیده؛ اما این اقامت به ظاهر آرام، موجب یک رشته پیامدهایی می‌گردد که به شکل فرآیندهای غریب‌اند. در حالی که روکنین درگیر کار و بار معمولی روزانه می‌شود، درک او از جهان و جایگاه او در طبیعت به گونه‌ای بنیادین دچار دگرگونی می‌شود. او درمی‌یابد که استحکام خردمندانه که یاری‌گر برزخ حضور منکوب‌کننده خویش نیست.



تهوع (La Nausée)
ژان پل سارتر
چاپ نخست: ۱۹۳۸؛ انتشارات الگامارد، پاریس

این اثر، از مومن دقیق و سنجیده آزادی، مسئولیت، آگاهی و زمان است. تهوع، که متأثر از فلسفه ادوموند هوسرل و سنیک ادبی داستانیوفسکی و کافکا است؛ رمانی است که هستی‌گرایی را به آگاهی دنیا رسانید؛ نظام اندیشه‌ای که می‌رفت تا مبدل به یکی از چشمگیرترین پیشرفت‌ها در اندیشه و فرهنگ قرن بیستم شود. این بندار که «وجود، مقدم بر ماهیت است» چندین سال پیش از آنکه سارتر باورهایش را در «هستی و نیستی» (۱۹۴۳) نظام‌مند کند و پیش از آنکه وحشت جنگ جهانی دوم، تأثیرات ویرانگرش را بگذارد، در این رمان هویداست.

«بخشی از «۱۰۰ کتابی که باید پیش از مرگ خواند» (۲۰۱۲) نوشته دکتر ساموئل توماس (University of Sussex)